



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۲ فروردین ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- تتمه: بررسی مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی -

مصادف با: ۲۸ شعبان ۱۴۴۲

ادله: دلیل چهارم و پنجم و بررسی آنها

جلسه: ۱۰۲

سال سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی است. عرض کردیم به چند دلیل برای اثبات مشروعیت استدلال شده است. تا اینجا سه دلیل ذکر شد و برخی از این ادله مورد قبول واقع شد و برخی هم مردود و مخدوش اعلام شد. ادله دیگری هم اینجا وجود دارد که البته برخی از این ادله طبیعتاً بحث بیشتری باید درباره‌اش صورت بگیرد و مهم‌تر هم هست و چه بسا قابلیت بیشتری برای استدلال دارند. ما این‌ها را مؤخر می‌اندازیم چون بحث ما امروز جلسه آخر است و طبیعتاً ورود به آن ادله محتاج زمان بیشتری است و لذا ما بعضی از ادله‌ای که ممکن است اهمیت چندانی هم نداشته باشد، اما به دلیل اختصار ناچاریم این‌ها را مقدم کنیم.

#### دلیل چهارم

دلیل چهارم متشکل از دو مقدمه است:

مقدمه اول: این است که به طور کلی مسأله حجاب و بی‌حجابی و یا پوشش و عدم پوشش و همچنین مسائلی که مربوط به نظر و نگاه است و احکامی که درباره پوشش و حجاب در شرع وارد شده، به حسب برخی از آثار مهم اجتماعی که بر این‌ها مترتب می‌شود و چه بسا به عنوان حکمت احکام از آن‌ها یاد می‌شود مورد توجه و لحاظ قرار می‌گیرد. مثلاً در باب نظر روایاتی داشتیم که در آن روایات وجه تحریم نظر یا حکمت حرمت نظر مسأله تهییج به فساد و ارتکاب برخی از محرّماتی است که مترتب بر نظر است. یا مثلاً در برخی از روایات وارد شده که نظر تیری از تیرهای شیطان است و از این دست روایات کم نداریم. به هر حال مسأله حجاب و پوشش مسأله‌ای است که آثاری دارد و عدم رعایت پوشش و حجاب مخصوصاً از ناحیه زنان می‌تواند منتج به مفاسدی شود که در حیطه اجتماع آثار زیان باری داشته باشد. پس مقدمه اول این است که مسأله بی‌حجابی و رعایت نکردن پوشش شرعی، حتماً مفسده بر آن مترتب می‌شود و این چیزی است که با استقراء و استفاده از ادله مربوط به پوشش و حجاب و نظر قابل اثبات است.

مقدمه دوم: این است که به طور کلی حکومت وظیفه دارد نسبت به بروز مفسده و شیوع مفسده در اجتماع مراقبت و حساسیت داشته باشد. این یکی از وظایف اصلی حکومت است که نسبت به حفظ مصالح، و بروز مفاسد در جامعه حساسیت و مسئولیت داشته باشد. بالاخره دفع مفاسد اجتماعی، رفع ناهنجاری‌های اجتماعی امری است که همه عقلاً نسبت به آن اذعان دارند. در

حکومت های غیر دینی هم حداقل در مقام اثبات طوری وانمود می کنند که ما باید با مفاسد برخورد کنیم. حال این مفاسد چه مفاسد اجتماعی باشد، چه سیاسی و چه اجتماعی.

نتیجه: بنابراین اگر گفتیم بی حجابی و بد پوششی مفسده انگیز است و وظیفه حکومت ها را مبارزه با مفاسد دانستیم، قهرا حکومت می تواند نسبت به پیشگیری و جلوگیری از مفاسد مترتب بر پوشش غیر شرعی و نامناسب قوانین و مقررات و کیفر و مجازات وضع کند؛ می تواند الزام کند و یک قوانینی الزام آوری وضع کند که مشتمل بر مجازات و کیفر باشد تا آن مفسده ها مترتب نشود. این استدلالی است که در این مقام می تواند ذکر شود برای اثبات مشروعیت. این دلیل کأن یک صغری دارد و یک کبری. صورت استدلالش یک قیاسی است که صغری و کبری دارد. صغری این است که بی حجابی مفسده انگیز است و کبری این است که با هر مفسده ای دولت می تواند برخورد کند، پس نسبت به بی حجابی هم می تواند الزام داشته باشد.

### بررسی دلیل چهارم

اگر بخواهد این استدلال تمام باشد، باید این دو مقدمه ثابت شود. یعنی هم صغرای مسأله تمام باشد و هم کبری. اما در مورد صغری اینکه بگوییم بد حجابی یا بی حجابی و یا بد پوششی مفسده انگیز است، این به نحو عام قابل اثبات نیست. وقتی بحث از پوشش شرعی و حجاب شرعی به میان می آوریم، یعنی آن حدی که در شرع برای حجاب تعیین شده که باید پوشیده شود. مسأله این است که فرضا اگر بخشی از موی زنان بیرون باشد، آیا بر این مفسده مترتب می شود؟ بله، در عریان و برهنه بودن زن که یک لباس غیر متعارف بیوشد مفسده وجود دارد. ولی آیا در کشف بخشی از موی سر و یا کلا موی سر لزوماً آن مفاسد به دنبالش است؟ یعنی به نحو موجه کلیه می توانیم بگوییم بر هر نوع بی حجابی و بدحجابی مفسده مترتب می شود؟ اثبات این مسأله مشکل است.

به علاوه که اگر بخواهیم از این زاویه به تحقق مفاسد نگاه کنیم، چه بسا اصل حضور زنان در اجتماعات، در معابر، در گذرگاه ها و بازارها می تواند آن مفاسد بر آن ها مترتب شود؛ یعنی نقض دارد. لذا اثبات صغری به نظر می رسد مشکل است.

اما کبرای مسأله درست است. دولت چه به مفهوم مدرن و چه به مفهوم سنتی نسبت به دفع و رفع مفاسد مسئولیت و اختیار دارد و می تواند قوانین الزام آور داشته باشد برای پیشگیری از مفاسد؛ ما به خصوص در مورد دولت اسلامی و حکومت اسلامی داریم سخن می گوئیم و می گوئیم این یک مسئولیت حکومت اسلامی است. حکومت غیر اسلامی از سنخ حکومت های عقلایی که در عالم هم وجود دارد، یک مسئولیت هایی برای دفع مفاسد دارند، اما همانطور که اشاره شد، مفسده ای که آن ها نسبت به دفع و رفع آن احساس مسئولیت می کنند، اینطور نیست که در همه موارد با آنچه که ما آن را مفسده می نامیم انطباق داشته باشد. مفسد نزد آن ها تعریفی خاص دارد، اما در حکومت اسلامی وقتی می گوئیم مفسده، مثلا شراب خواری هم به نظر ما مفسده انگیز است. اما آنها اینطور نیست که شراب خواری را داری مفسده بدانند. بله، مستی و بد مستی را مفسده انگیز می دانند و یک محدودیت هایی برایش اعمال می کنند. مثلا اگر کسی در حال رانندگی مست باشد، او را جریمه می کنند. اما اصل شراب خواری به نظر آن ها مفسده انگیز نیست. اما در حکومت اسلامی مسأله متفاوت است. ما از منظر حکومت اسلامی اگر به مسأله نگاه کنیم، بالاخره در حکومت اسلامی این مسئولیت و اختیار وجود دارد که نسبت به دفع و رفع مفاسد قانون وضع کنند و مقررات جعل کنند؛ ما در این اشکالی نداریم. عمده اشکال ما در صغری بود. لذا ما نمی توانیم با این دلیل به نحو تام و کلی موافقت کنیم. بله به نحو

موجبه جزئیة ممکن است بگوییم بر بد حجابی و بر پوششی مفاسدی مترتب است و این نمی تواند مشروعیت الزام به حجاب را اثبات کند.

### **دلیل پنجم**

دلیل پنجم هم متشکل از یک صغری و کبری و به صورت قیاس است:

مقدمه اول: حجاب و پوشش از شعائر و مقدسات و حرمت الله است.

مقدمه دوم: این است که حکومت نسبت به حفظ شعائر و حرمت الله و مقدسات مسئولیت و تکلیف دارد. حکومت اسلامی وظیفه دارد که حرمت الهی و مقدسات را تعظیم کند و این شعائر را حفظ کند.

نتیجه: حکومت نسبت به حفظ حجاب به عنوان شعائر و حرمت الهی مسئولیت دارد و می تواند الزام کند و قوانینی وضع نماید تا شعائر الهی و این امر مقدس و محترم عندالله در جامعه محفوظ بماند و با کسانی که با این حکم و شعائر الهی مخالفت می کنند برخورد کند.

### **بررسی دلیل پنجم**

به نظر می رسد این استدلال هم تمام نیست. اینکه ما حجاب را از شعائر الهی بدانیم، به یک معنا درست است. یعنی حجاب از مسلمات است و در حقیقت جنبه نشانه جامعه اسلامی دارد. بعضی از امور و تکالیف در حقیقت سنبل و نماد جامعه اسلامی و دینی محسوب می شود. مثلاً نماز این چنین است، حجاب این چنین است. یعنی حجاب به عنوان یک نماد در جامعه اسلامی معرف اسلامی بودن و مسلمان بودن افراد آن جامعه است. اگر این نماد باشد و از شعائر جامعه دینی باشد، به یک معنا درست است. ولی فرق است بین اینکه یک چیزی به عنوان امر مقدس و حرمت و شعائر مطرح شود، یا نماد باشد.

ما دو قاعده داریم که البته این دو قاعده گاهی با هم خلط می شود، اما در حقیقت دو قاعده هستند؛ یکی حرمت اهانت به مقدسات، و دیگری وجوب تعظیم شعائر. این ها دو قاعده اند و ملازمه ای هم با یکدیگر ندارند. حرمت اهانت به مقدسات، مبادی و مبانی و ادله ای دارد که به تفصیل در جای خودش درباره آن بحث کرده ایم. وجوب تعظیم و بزرگداشت شعائر هم یک مبنای دیگری دارد. عرض کردم این دو قاعده بعضاً به جای یکدیگر هم استعمال شده و گاهی ادله این جا به جای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته و حتی در تعبیر و عنوانی که از این قاعده نام برده شده، گاهی خلط صورت گرفته. برای شعائر و مقدسات، تعریفی ارائه شده که اصلاً شعائر به چه می گویند. ما یک بحث تفصیلی داشتیم که این شعائر و مقدسات مثلاً از خود قرآن، پیامبر، ائمه معصومین و بعضی معتقدات و بعضی امکان و مکان های خاص، همه را در بر می گیرد. اینکه به یک حکم دینی عمل نشود، این عمل نکردن مصداق اهانت نیست.

پس اشکال اول این است که خود این از مقدسات هست یا نیست. می خواهیم ببینیم آنچه که از مقدسات و شعائر محسوب می شود، آیا اعتقاد و باور به حجاب است یا عمل؟ یک وقت ممکن است کسی نماز را هم قبول داشته باشد و اعتقاد به نماز هم داشته باشد، اما اهل نماز نباشد. کسی که نسبت به نماز سستی می کند، در واقع مشکلی دارد و عقوبت اخروی هم دارد. حتی بنابر بعضی روایات شفاعت هم شاملش نمی شود. اما آیا می توانیم این کار او را به عنوان یک مقدسی که مورد اهانت قرار گرفته قلمداد کنیم؟ تعظیم یا تکریم شعائر که گفته اند واجب است یا اینکه اهانت به مقدسات حرام است، در حقیقت یک تعریف و محدوده خاصی دارد. مثلاً کوتاهی در نماز مصداق توهین به شعائر و مقدسات نیست. از آن طرف هم نماز خواندن به عنوان

تعظیم شعائر نیست. فرضاً یک شخصی در اجتماع به صورت عمومی در مسجد حضور پیدا می‌کند، در محیطی عمل و نماز او بازتاب اجتماعی پیدا می‌کند، این می‌شود تعظیم شعائر. ولی نخواندنش و عدم حضورش توهین و وهن محسوب نمی‌شود. بنابراین اینکه ما به طور کلی بگوییم تعظیم شعائر واجب است، جای بحث دارد. اینکه بگوییم اهانت به مقدسات حرام است، در محدوده و حدود و ثغورش بحث است.

دیگر اینکه اساساً این بی‌حجابی یا بد پوششی، یکوقت به عنوان زیر سوال بردن این حکم شرعی است، مانند رفتاری که چند وقت پیش مرسوم شده بود که می‌آمدند در گوشه خیابان می‌ایستادند و علناً قصدشان توهین به یک باور و اعتقاد و زیر سوال بردن یک حکم شرعی بود. اینکه مجازاتش چیست بماند. بحث در این است که اگر از باب اینکه اهتمامی به امر حجاب نمی‌دهند، این مصداق توهین به مقدسات و وهن شعائر باشد، خودش جای بحث دارد. البته عنایت بفرمایید که این منافاتی هم ندارد که ما حجاب را به عنوان یک حکم شرعی و به عنوان یک واجبی که مربوط است به عمل شخصی افراد، ولی دارای اثر اجتماعی است و نسبت به آن اهتمام داشته باشیم و در ترویجش بکوشیم. در این‌ها بحثی نیست و حتی بالاتر اینکه حکومت اسلامی هم نسبت به ترویج این حکم شرعی باید اهتمام داشته باشد. ولی اینکه ما این عمل را مصداق توهین به مقدسات و وهن شعائر و یا توهین به شعائر بدانیم و از این رهگذر بگوییم دولت و حکومت اسلامی مسئولیت دارد که با بدحجابی برخورد کند و می‌تواند قانون وضع کند، از این طریق و با این عنوان که دارد به مقدسات توهین می‌شود، این قابل قبول نیست.

بلکه، یکبار رفتار خاصی شکل می‌گیرد مانند مثالی که ذکر کردم. مثلاً گروهی رفتاری را علیه حجاب به نحو سازمان یافته ترتیب می‌دهند و قصدشان هم زیر سوال بردن و وهن این حکم شرعی است و در واقع می‌خواهند این حکم شرعی را تحقیر و خفیف کنند. آنجا یک عنوانی پیدا می‌کند و قهراً آن مسأله متفاوت است. بحث ما در شرایط و موقعیت‌های خاص و استثنایی نیست. بحث در این است که به طور کلی آیا بدحجابی و بد پوششی به عنوان مصداق توهین به شعائر و توهین به مقدسات محسوب می‌شود یا خیر؟ این به نظر می‌رسد که نمی‌تواند مصداق چنین چیزی قرار بگیرد.

سوال:

استاد: خیر. اینکه حکومت نباید توهین به مقدسات کند روشن است. بحث این است که حکومت نسبت به اهانت به مقدسات مسئولیت دارد. بر فرض که این از مصادیق شعائر الله باشد، تعظیم هم واجب باشد، حکومت هم مسئولیت دارد یا خیر؟ ما اصلاً می‌گوییم تعظیم شعائر واجب نیست. اگر تعظیم شعائر هم واجب باشد، یعنی می‌خواهد بگوید کسی که می‌آید در انظار شعائر الهی را تعظیم نمی‌کند ... شما فرض گرفتید که واجب است، اگر واجب باشد و دولت هم مسئولیت داشته باشد، باید تعظیم شعائر بکند و مراقب باشد که .... وقتی ما می‌گوییم دولت و حکومت، معنایش این است که خودش نسبت به تعظیم شعائر مراعات کند ... خیر الزام را کاری نداریم، اما می‌خواهیم بگوییم اگر دولت و حکومت ببیند در جایی این رعایت نمی‌شود ... اینکه این را انجام نمی‌دهد یعنی تعظیم شعائر .... دلالتش مشکل است، ولی نه اینکه اصلاً دلالت نداشته باشد.

سوال:

استاد: خیر، تعظیم شعائر غیر از یک عمل فردی است. تعظیم شعائر با آن پیش فرض‌هایی که شما می‌گویید، یعنی همه وظیفه دارند در صحنه اجتماع و در عرصه جامعه نسبت به این امر تعظیم و احترام داشته باشند. حال اگر این وظیفه همگانی آن هم

بروز و ظهورش به این شکل است و حکومت هم طبق فرض شما مسئولیت دارد، مسئولیت حکومت نسبت به تعظیم شعائر مسلمانان تفاوت دارد به مسئولیت یک فرد.

سوال:

استاد: اساسا این بحث بر یک مبنای از اساس باطل است. البته می‌شود آن را درست کرد ولی از اساس این ارتباطی با مقوله تعظیم شعائر ندارد و از آن‌ها محسوب نمی‌شود.

به هر حال دلیل چهارم و پنجم هم نتوانست مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی را اثبات کند.

#### **جمع بندی**

تا اینجا ما پنج دلیل اقامه کردیم. دلیل اول را پذیرفتیم که حکومت با توجه به اهداف میانی و غایی که دارد، می‌تواند الزام کند. دلیل دوم آیات بود که در بین آیات دلالت یک آیه را پذیرفتیم.

دلیل سوم، چهارم و پنجم مورد قبول ما واقع نشد. چندین دلیل دیگر بر مشروعیت می‌توان اقامه کرد. از جمله ادله نهی از منکر که بحث مفصلی دارد. ادله تعزیرات که بحث مفصلی دارد. چندین دلیل دیگر هم در اینجا وجود دارد که این‌ها را ما با توجه به اینکه چهارشنبه هم اول ماه مبارک رمضان است و نهایتاً خواهیم فردا این بحث را ادامه دهیم به جایی نمی‌رسد، لذا ادامه بحث را موکول می‌کنیم به بعد از ماه رمضان ان شاء الله به قید حیات و از همه دوستان و برادران گرامی هم التماس دعا داریم در ایام ماه مبارک رمضان به ویژه در شب‌های قدر و ان شاء الله خداوند همه ما را نسبت به عبادت، بندگی، تزکیه و تطهیر باطن و انجام اعمال عبادی و روزه و آنچه که در این ایام می‌توان انجام داد موفق بدارد و ان شاء الله بتوانیم از این فرصت بهره بیشتری ببریم و ان شاء الله دعا کنیم برای حل مشکلات و گرفتاری‌های عالم تشیع و دفع شرور از مسلمانان و رفع گرفتاری‌ها از آنان.

«والحمد لله رب العالمین»